

# مراثی (سوگنامه) ارمیای نبی Lamentations of Jeremiah

## تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران نوشته ویلیام مک دونالد

[www.muhammadanism.org](http://www.muhammadanism.org)

July 1, 2011

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

### Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,  
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —

---

## γσ

### معرفی

مراثی ارمیای نبی علیه السلام تمام جذابیت‌هایش بیانگر خاموش مسئله‌ای به نام گناه است که حاوی اندوه و درد سنگینی است. این کتاب سوی دیگر لذت‌های زودگذر چون خوردن، نوشیدن و اندوختن است.

چارلز آر سویندال<sup>1</sup>

#### I- جایگاه منحصر به فرد کتاب مراثی در کانون

این کتاب کوچک را در ترجمه‌های یونانی و لاتینی و انگلیسی «مراثی» نامیده‌اند. کلمه «چگونه» یا «دریغ» در ابتدای فصول 1 و 2 و 4 از نظر یهودیان همان معنی را می‌رساند.

این کتاب شامل پنج قطعه جداگانه است که در حول ویرانی اورشلیم توسط نبوکد نصر در سال 586 قبل از میلاد می‌باشند و در یک ساختار واحد اکروستیک (بیان یک شعر که هر بیت با حرفی شروع می‌شود و مجموع حروف هر بیت مفهوم خاصی را می‌رسانند - م) در چهار فصل اول، بیان شده‌اند و احتمالاً به خاطر تسهیل در حفظ کردن ابیات هر شعری در نظم الفبایی عبرانی نوشته شده‌اند که هر بیت با یک حرف شروع می‌شود، به جز فصل سوم که هر حرفی معرفی سه آیه است. فصل پنجم هم دارای 22 آیه است که معادل با 22 حروف الفبائی زبان عبرانی است، ولی در نظم اکروستیکی نیامده‌اند.

علیرغم اشکال در نگارش در چنین چارچوبی، این کتاب بخوبی توانسته است آن میهن‌پرستی سودائی و اندوه جگرسوز

---

<sup>1</sup> - Charles R. Swindoll

را به خواننده، انتقال دهد.

## II- تاریخ

کتاب مراثی در اصل حاوی نام نویسنده نیست، اما سنتی که می‌گوید ارمیا این کتاب را نوشته است به زمان‌های بسیار قدیمی بازمی‌گردد که تا قرن هجدهم میلادی مورد مخالفت قرار نگرفته بود.

ترجمه یونانی (پیورجنت) کتاب مراثی با مقدمه‌ای شروع می‌شود که به اصل عبری آن بازمی‌گردد:

«و واقع شد بعد از اینکه اسرائیل به اسارت رفت و اورشلیم ویران شد، ارمیا ماتم گرفت و چنین نوحه‌ای سرود و گفت...» (در اینجا آیه اول شروع می‌شود).

سبک کتاب به نوشته‌های «نبی گریان» بازمی‌گردد و دوم تواریخ 25:35 هم ارمیا را نبی مرثیه‌خوان نامیده است. این واقعیت که نویسنده شاهد عینی ماجرا بوده است، و هیچ نویسنده دیگری بر این کتاب مفروض نیست موجب تقویت دیدگاه سنتی یهودیان و مسیحیان مبنی بر منبع نگارش کتاب مراثی از سوی ارمیا می‌باشد.

## III- تاریخ

اولین تشریح از انهدام صهیون در این کتاب آنچنان آشکار و واضح است که چنین به نظر می‌رسد نگارش این واقعه بسیار نزدیک به واقعه (در حدود سالهای 586 یا 585 پیش از میلاد) و قبل از رفتن ارمیا به مصر، بوده است.

## IV- پیشینه و زمینه

سقوط اورشلیم ایام رنج و عذاب بود و همین مصیبت ترسناک بود که موجب نوشتن کتاب مراثی گردید و ما از میزان اندوه ارمیاء نبی، آگاهیم.

این کتاب شامل ضمیمه‌ای بر نبوّات ارمیا می‌باشد. این ضمیمه بیانگر اندوه عمیق نبی از ویرانی اورشلیم و معبد می‌باشد. نبی به جای اینکه از این حقیقت که نبوّت‌ها تحقق یافته است، شادی کند، به تلخی بر بیچارگی مردمش می‌گیرد. علاوه بر آن که این سخنان ارمیا می‌باشند، این کتاب احتمالاً به موارد زیر پرداخته است:

- 1- اندوه یهودیان باقی مانده، که ارمیا سخنگوی آنان بود، وقتی که به حمله بابلیان شهادت دادند.
- 2- عذاب مسیحا، ریخته شدن خورش و مردنش بر صلیب در جلجتا (برای نمونه رجوع کنید به 12:1).
- 3- اندوه یهودیان باقی مانده در روزهای آینده وقتی که در زمان عذاب بزرگ به پیشگاه تخت بزرگ سفید داوری دعوت می‌شوند.

## گزارش

### I- اوضاع ترسناک اورشلیم (11-1:1)

#### II- فریاد اندوه و ندامت و دعای مردم (22-12:1)

الف) شهر گریان (17-12:1)

ب) اعتراف به گناه (18:1 و 19)

ج) دعای مردم (22-20:1)

### III- خداوند به عنوان کسی که اورشلیم را مجازات کرده

است، دیده می‌شود. (فصل دوم)

الف) اثرات خشم خدا (13-1:2)

ب) علت خشم خدا - انبیاء دروغین از آگاهی دادن به

مردم غفلت کردند (14:2)

ج) استهزای رهگذران (15:2 و 16)

د) تحقق تهدیدهای خدا (17:2)

ه) دعوت به توبه (18:2 و 19)

(و) دعا برای جلب التفات خدا (22\_20:2)

IV- نبی اندوه و اعتراف باقی مانده قوم را اعلام می‌دارد  
(فصل سوم)

الف) داوری خدا (18\_1:3)

ب) رحمت‌های خداوند (39\_19:3)

ج) دعوت به تحول روحانی (42\_40:3)

د) اندوه ارمیا بر اورشلیم (51\_43:3)

هـ) دعای نبی برای رهائی از دست دشمنانش (66\_52:3)

V- مقایسه وضعیت گذشته و حال یهودا (20\_1:4)

VI- موفقیت‌های آینده - ادوم نابود می‌شود و یهودا احیاء  
می‌گردد (12و21:4)

VII- باقی مانده قوم از خدا تقاضای رحمت و احیاء  
می‌نمایند (فصل 5)

## تفسیر

I- اوضاع ترسناک اورشلیم (11\_1:1)

در این آیات ما شاهد انزوای شدید اورشلیم می‌باشیم. آیات 1 تا 11 سخنان رهگذری است که به این شهر می‌نگردد. شهری که زمانی پر از جمعیت بود، اینک چون **بیوه‌زنی** و **ملکه‌ای** است که **خراب‌کار** گردیده است. بت‌هایش دیگر ترکش کرده‌اند و متحدانش او را رها کرده‌اند (آیات 1 و 2). **مردم** به سبب گناهانشان **جلای** وطن کرده‌اند و هیچ زواری برای زیارت **صهیون** نمی‌آید (آیات 3\_9). وسایل نفیس **مقدس** توسط بابلیان غارت شده است (آیه 10) و مردم از قحطی در عذابند:

## II- فریاد اندوه و ندامت و دعا (22\_12:1)

### الف) شهر گریان (17\_12:1)

این آیات بیانگر غم عمیق اورشلیم است. آیه 12 تبدیل به «بیانیه کلاسیک اندوه» شده است و ما را به یاد مرثیه عیسی مسیح خداوند برای اورشلیم به خاطر گردن‌کشی و انکار او، می‌اندازد.

زبان این آیه هم‌نوا با شرایط مسیح بر روی صلیب است که در پای صلیبش سربازان، مقامات مذهبی، مردم عادی با بی‌رحمی هر چه تمام ناظر شکنجه و عذاب او بودند.

مردم یهودی می‌دانند که او، همان خداوندی است که ویرانی اورشلیم را محقق ساخته است و گرچه صهیون دستهای خود را به سوی خداوند برای التفات او دراز می‌کند، اما برایش تسلی‌دهنده‌ای نیست. اورشلیم مکروه گردیده است (آیه 17)

### ب) اعتراف به گناه (18:1 و 19)

یهودیان اعتراف می‌کنند که یهوّه در فرستادنشان به اسیری، عادل است و آنها بر علیه فرمان او عصیان ورزیده بودند و دیگر اینکه «محبان» اورشلیم یا امتهای غیریهودی او را فریب دادند.

### ج) دعای مردم (22\_20:1)

مردم به حضور خدا دعا می‌کنند که تمام شرارت‌های دشمنانشان را کیفر دهد و به تمامی معصیت‌های خویش در میان اشک و آه، اعتراف می‌کنند.

### III- خداوند به عنوان کسی که اورشلیم را مجازات کرده است، دیده می‌شود (فصل دوم)

#### الف) اثرات خشم خدا (2:1-13)

7:1-2) این آیات مبین کارهایی است که خدا در یهودا انجام داد - ویران کردن معبد (قدمگاه) (آیه اول)، منهدم نمودن شهرها (آیه دوم)، جلوگیری نکردن از دشمن چنانکه خود نیز دشمن یهودا جلوه می‌کند (آیات 3-5)، تهدید نمودن معبد که آن را چون کپری در بوستان خواهد نمود و قربانی در صهیون متوقف خواهد شد و برکنار نمودن پادشاه و کاهن (آیات 6 و 7).

8:2-13) خداوند بر آن است که شهر را ویران کند، رهبران در تبعید می‌باشند، و انبیاء هیچ الهامی از جانب یهوه نمی‌بینند. مشایخ ماتم گرفته‌اند و دوشیزگان سر خود را از شرم به زیر افکنده‌اند (آیات 8 تا 10). اطفال و شیرخوارگان از گرسنگی در کوچه‌های شهر ضعف می‌کنند و سپس می‌میرند (آیات 11 و 12).

مصائب مردم بزرگتر از آنست که نبی بتواند مردم را تسلی دهد (آیه 13). دوشیزه دختر صهیون چیزی که مردم می‌باید می‌بودند، نه آنچه که عملاً بودند.

#### ب) علت خشم خدا - انبیاء دروغین از آگاهی دادن به مردم غفلت کردند (2:14)

انبیای یهودا دروغین بودند و رؤیاهای دروغین داشتند و به جای اینکه مردم را در جریان حقایق بگذارند نبوت‌های دروغ می‌کردند و مردم را فریب می‌دادند.

#### ج) استهزای رهگذران (2:15 و 16)

همسایگان یهودا سقوط اورشلیم را می‌بینند و مردم را مسخره می‌کنند، آنها دست برهم می‌زنند و با لذتی سادیسمی

می‌گویند «این همان روزی است که ما منتظرش بودیم، و حال آن روز را می‌بینیم!»

#### (د) تحقق تهدیدهای خدا (17:2)

یهوه کلام خود را بجا آورده بود. او مردم خود را ذلیل و دشمنان یهودا بر آنان برافراشته بود.

#### (ه) دعوت به توبه (18:2 و 19)

از پدران و مادران خواسته می‌شود تا به حضور خداوند جمع شده تا برای فرزندان‌شان که در گوشه کوچه‌ها از گرسنگی ضعف کرده‌اند، شبانه روز فریاد برآورند.

#### (و) دعا برای جلب التفات خدا (22\_20:2)

زنان میوه رحم خود را در اثر قطعی می‌خورند. کوچه‌ها پر از جنازه است، چونکه خدا بابلیمان را به جشن دعوت کرده است.

### IV- نبی، اندوه و اعتراف باقی مانده قوم را

#### اعلام می‌دارد (فصل سوم)

#### (الف) داوری خدا (18\_1:3)

نبی با بیان متناوب عبارت **من** به جای ما کوشیده است که تعادلی بین تجربه‌های خود و دیگران ایجاد نماید. **غضب** خدا با تاریکی به تصویر کشیده شده است و نبی می‌گوید که خدا دست خویش را دائماً بر **ضد** او برافراشته است (آیات 1\_3)، و **استخوان‌های** او را **خرد** کرده و اندامش را فرسوده و چون مرده‌ای متحرک شده است (آیات 4\_6)، بندهای او گران و **استغاثه‌های** او بی‌جواب مانده است (آیات 7\_9). خدا چون **خرس** و **شیری** وحشی در **کمین** او نشسته است (آیات 10\_12)، دارای زخم‌های عمیق، مورد تمسخر مردم واقع شده و سرشار از



تلخی‌ها (آیات 13\_15)، دندان شکسته و خاکستری‌پوش است (آیه 16)؛ دچار فراموشی شده و سلامتی و سعادت‌مندی و امید خدا در مورد او تلف شده است. (آیات 17 و 18)

### ب) رحمت‌های خداوند (39\_19:3)

نبی با دعا به حضور خدا که گرفتاریها و تلخی‌های او را به یاد آورد (آیات 19 و 20)، چشم از خویشتن می‌بندد و به سوی خداوند می‌نگردد. وقتی به یاد می‌آورد که رأفت‌ها و رحمت‌های خداوند، هر صبح تازه می‌شود و امانت او بسیار است، امید در دل او زنده می‌شود (آیات 21\_24). او به بیان تجاربی می‌پردازد که در مکتب پریشانی آموخته است. خداوند برای کسانی که او را می‌طلبند نیکوست و چه بهتر که انسان در آرامش و سکوت منتظر رهایی از سوی خداوند باشد و از ابتدای جوانی گردن در یوغ او بگذارد (آیات 25\_27) و تهنیب خداوند و آزارها و توهین‌ها را بی‌آنکه در صدد تلافی باشد، بپذیرد (آیات 28\_30)؛ متروک شدن توسط خدا نه همیشگی و نه بی‌علت است؛ رأفت و رحمت او همیشه جاری است (آیات 31\_33)، خداوند ظلم و بی‌انصافی را مجاز نکرده است و حقیقت را منکر نشده است (آیات 34\_36)؛ خدا حاکم مطلق است و کلام او نافذ می‌باشد و همه چیز در خدمت اجرای اراده او است، شکایت نمودن از داوری خداوند بر گناه، نابخردانه است (آیات 37\_39).

### ج) دعوت به تحول روحانی (42\_40:3)

راه متبارک شدن اینست که انسان خود را بیازماید و به سوی خدا بازگشت کند. گناهان اعتراف نشده بخشوده نمی‌شوند.

### د) اندوه ارمیا بر اورشلیم (51\_43:3)

اینک موضوع آیات برمی‌گردد به رنج‌های ارمیا و مردمش.

خدا قبلاً آنان را **تعاقب** کرده و به **قتل رسانیده** بود و بر آنان رحمت نیاورده بود، به دعا‌های آنان توجه نکرده بود و آنان را تبدیل به زباله در روی زمین کرده بود (آیات 43-45). تمام دشمنانشان آنان را در حالی که در **خوف** و خطر و **هلاکت** می‌زیستند، مسخره می‌کردند. هلاکت قوم، ارمیا را بر آن داشت که **بلاانقطاع** گریه کند (آیات 51-53).

#### ه) دعای نبی برای رهایی از دست دشمنانش (3:52-66)

نبی می‌اندیشد مانند **مرغی** که به **شدت تعاقب** می‌شود، در **سیاه‌چال** سنگسار و در آب غرق می‌شود، و پایان کار نزدیک است (آیات 52-54). او از **عمق‌های سیاه‌چال** به حضور خدا می‌نالد و دعا می‌کند و خدا به او پاسخ می‌دهد و می‌گوید که **نترس** (آیات 55-57). اینک از **خداوند** می‌طلبد که به اوضاع او توجه کند و **کینه‌ها، تدبیرها، مذمت‌ها، توهین‌ها، شایعات و تمسخرهایی** که به او می‌شود، در نظر آرد و داوری نماید.

عدالت اقتضاء می‌کند که دشمنانش مجازات، ملعون، تعاقب شده و نابود شوند (آیات 58-66). عبارت «غشاوة قلب» (آیه 65) آنچنانکه در این آیه آمده است، شاید اشاره‌ای به این آیه است که «وقتی که موسی را می‌خوانند، نقاب بر دل ایشان (یهودیان) برقرار می‌ماند» (دوم قرن‌تیان 3:15) و احتمالاً اشاره به سخت شدن دل نیست، بلکه اشاره بر کور شدن دل است که موجب هلاکت می‌شود.

#### ۷- مقایسه وضعیت گذشته و حال یهودا (4:1-20)

نبی به مقایسه جلال پیشین و اوضاع غم‌انگیز کنونی اورشلیم می‌پردازد.

معبد ویران شده است، مادران **اطفال** خود را ترک کرده‌اند (آیات 3 و 4) مردم از **گرسنگی** می‌میرند (آیه 5) **عصیان**

زیاده از حد گردیده است (آیه 6)، سروران در کوچه‌ها شناخته نمی‌شوند (آیات 7 و 8)، حتی آدم‌خواری هم در میان زنان مهربان رایج شده است (آیه 10) و شهری که زمانی غیرقابل تسخیر تصور می‌شد، ساقط شده است (آیه 12). علت تمام این مصیبت‌ها گناه انبیاء و کاهنان و مردم آن شهر بود (آیات 13-16). آنها بیهوده در انتظار اعانت مصر بودند (آیه 17).

بابلیان ناگهان آنان را محاصره نمودند (آیات 18 و 19) و صدقیای پادشاه، مسیح خداوند نیز اسیر شد (آیه 20).

## VI- موفقیت‌های آینده - ادوم نابود و یهودا

### احیاء می‌گردد (21:4 و 22)

دختر ادوم از سقوط اورشلیم شادی می‌کند، ولی به خاطر گناهانش به شدت مجازات شده و عریان می‌شود. صهیون دوباره برقرار خواهد شد.

## VII- باقی مانده قوم از خدا تقاضای رحمت و

### احیاء می‌نمایند (فصل پنجم)

14:5- در این آیات مردم به خاطر موقعیت وحشتناک خودشان و گرانی سرسام‌آور ضروریات زندگی (آیه 4)، کار طاقت‌فرسا و اجباری (آیه 5)، ستم و بیداد (آیه 8) قحطی و خطرات (آیات 9 و 10)، شقاوت‌هایی که در مورد دوشیزگان، سروران و مشایخ صورت می‌گیرد (آیات 11 و 12)، کارهای شاق جوانان، کودکان و مشایخ (آیات 13 و 14)، ماتم گرفته‌اند.

15:5-18 شادی یهودا به خاطر این اوضاع وحشتناک از بین می‌رود و رقص او به ماتم تبدیل می‌گردد و تاج از سر او می‌افتد و کوه صهیون ویران می‌شود.

علت این مصائب آنطوری که نبی اعتراف کرده است، اینست

که «وای بر ما، چون گناهکاریم!»  
 (22\_19:5) سرانجام مردم از خداوند تقاضا می‌کنند تا آنها را به سوی خود بازگردانده باشد که دوباره بازگشت کنند و تازه شوند. جالب اینست که در بسیاری از نسخه‌های عبری آیه 21 بعد از آیه 22 تکرار شده است، و این هم ظاهراً بدین‌جهت است که کتاب مراثی با اشاره امیدوارکننده‌ای پایان یابد و نه ناامیدکننده‌ای مانند آیه 22.  
 در واقع آن طوری که کیل اشاره می‌کند، درک درست آیه 22 چنین تکراری را ایجاب می‌کند.

*این نتیجه‌گیری کلاً متناسب با ماهیت کتاب مراثی می‌باشد که با این تکرار شکایت‌ها و درخواست‌ها به پایان می‌رسد، چون بدون یک عنصر امیدبخش، هر چند که آیه آخر اشاره به یک پیروزی امیدبخش نمی‌کند، اما آنطوری که گِراج می‌گوید «یک سوسوی دور است چون ستاره‌ای که در حال رفتن به پشت ابرها است، ستاره‌ای که نمی‌تواند بر تاریکی شب اثرگذار باشد، هر چند که طلوع خورشید را اعلام می‌دارد و امید پیروزی می‌دهد».*

## مقدمه‌ای بر رسالات نبوتی

در کتاب عهد عتیق رساله اشعیا تا رساله ملاکی نبی را غالباً رسالات نبوتی می‌نامند.

اشعیا، ارمیا، حزقیال و دانیال، به خاطر اینکه رسالاتشان طولانی‌تر از سایر رسالات می‌باشد، انبیاء اصلی نامیده می‌شوند. دوازده رساله نبوتی کوتاه‌تر منسوب به انبیاء متوسط می‌باشند.

### I- رسالت انبیاء

در صحنه واقعی کتاب مقدس، نبی کسی است که از سوی خدا سخن می‌گوید. این انبیاء در دوره‌های گناه و فساد برخاسته‌اند تا مردم را نسبت به گناهی که می‌کنند اعلام بدارند و داوری خدا را در صورتی که توبه نکنند، پیش‌بینی نمایند.

در عهد عتیق دوران نبوتی از زمان سموئیل (در حدود 1100 سال پیش از میلاد) زمانی که سنت کهناتی متوقف شد، شروع گردید. انبیاء رسالت خود را تا پایان دوران عهد عتیق (در حدود سال 400 پیش از میلاد) و بازگشت قوم از اسارت و بازسازی اورشلیم و معبد، ادامه دادند.

به هر حال رسالات نبوتی عهد عتیق تا تجزیه پادشاهی اسرائیل (در حدود 930 قبل از میلاد) نوشته نشدند، بدین ترتیب نوشته‌های این رسالات متناسب است با وقایع ثبت شده در اول و دوم پادشاهان و اول و دوم تواریخ ایام، و ادامه می‌یابد تا رساله عزرا و نحمیا.

### II- روش انبیاء

معمولاً گفته می‌شود که پیام انبیاء تنها پیشگویی امور آینده است. منظور ما از پیشگویی اینست که این انبیاء به سخنان خدا در آینده اشاره می‌کردند. آنها در ارسال پیام

خدا آگاهی کامل داشتند و این اطمینان را با گفتن عبارت «خداوند، می‌گوید» و یا «کلام خدا که بر من آمد» اعلام می‌کردند (ر.ک ارمیا 9:1 و زکریا 7:2).

آنها به عنوان پیشگو به آینده چشم می‌دوختند و به مردم عواقب اطاعت و تمرد را نشان می‌دادند. انبیاء همیشه مفهوم پیام را نمی‌دانستند (ر.ک دانیال 28:7، 15:8—27؛ 15:7—10؛ مکاشفه 13:7، 14؛ 16:17). آنها در بیان نبوتات در رابطه با آمدن مسیحا دچار مشکل خاصی بودند. وقتی آنها راجع به رنج‌های مسیح و جلال متعاقب آن پیشگوئی می‌کردند (اول پطرس 13:1—10) نمی‌توانستند بفهمند که چگونه مسیحا به عنوان یک خادم رنج‌کش یهوه و در عین حال پادشاه تمامی زمین خواهد آمد. آنها نمی‌توانستند بفهمند که دو رجعت جدا از هم وجود دارد — یعنی آمدن مسیح از بیت‌لحم و برگشت دوباره‌اش به کوه زیتون. آنها نمی‌فهمیدند که یک فاصله زمانی در بین این دو «آمدن» وجود دارد.

### III- مباحث نبوتی

مباحث نبوتی برآمده از عهد عتیق را می‌توان به طریق زیر خلاصه نمود:

- 1- تقدس خدا.
- 2- گناه و کوتاهی مردم برگزیده خدا.
- 3- دعوت به توبه.
- 4- داوری خدا بر آنها در صورتی که توبه نکنند.
- 5- داوری خدا بر ملل پیرامون قوم اسرائیل.
- 6- برگشت بخشی از قوم از اسارت.
- 7- آمدن مسیحا و طردشدن او.
- 8- آمدن مسیحا در قدرت و جلال.
- 9- احیاء مردم برگزیده خدا.

10- پادشاهی جهانی مسیحا.

قابل ذکر است که از این نقطه نظر کلیسا شامل نبوتات عهد عتیق نیست. ما نباید انتظار داشته باشیم که در این نبوتات صحبت از کلیسا شده باشد، چونکه عهد جدید به ما گفته است که فیض خدا رازی است که از ابتدای عالم در خدا نهفته است. (افسیان 3:4-6).

قانون ارجاع دوگانه کلید مؤثری است برای درک قطعیت پیام‌های عهد عتیق.

قانون ارجاع دوگانه به معنی اینست که پاره‌ای از نبوت‌های عهد عتیق دارای فوریت بوده‌اند و بخشی تحقق یافته‌اند و پاره‌ای در یک روز مشخص تحقق می‌یابند. برای نمونه نبوت مندرج در رساله یوئیل نبی 12:28-32 در بخشی از روز پنطیکاست تحقق یافته بود (اعمال 2:7-21)، ولی تحقق کامل آن موکول به استقرار ملکوت عیسای خداوند در روی زمین و در نزدیکی دوران عذاب بزرگ، می‌باشد.

شایسته است که به خاطر داشته باشید در حالی که پاره‌ای از نبوت‌ها در ظاهر آشکار می‌باشند، دیگر نبوت‌ها تا زمانی که تحقق نیابند، آشکار نخواهند شد.

ما باید از تفسیر خیالی نبوتات دوری کنیم. در بیان اینکه وقایع خاصی، تحقق یافته‌اند و بعداً مشخص شود که واقع نشده‌اند، خطر فراوانی وجود دارد.

#### IV- واژگان انبیا

موارد زیر ما را کمک می‌کنند که شناخت بهتری از انبیا داشته باشیم:

1- عنوان «اسرائیل» در اصل اشاره به حکومت شمالی و ده قبیله اسرائیل می‌باشد. ولی بعضی اوقات در اشاره به قوم اسرائیل - تمام کسانی که از نسل ابراهیم می‌باشند - به کار می‌رود.

- 2- از دیگر سو، «یهودا» معمولاً اشاره به حکومت جنوبی یا دو قبیله یهودا و بنیامین می‌باشد.
- 3- از عبارت «افرایم» مخصوصاً در رساله هوشع نبی برای تعریف ده قبیله یا حکومت شمالی استفاده شده است. خاندان یوسف نیز اشاره به حکومت شمالی است.
- 4- «سامرا» مرکز حکومت شمالی بود و بارها از آن نام برده شده است.
- 5- «اورشلیم» نیز از سوی دیگر، مرکز حکومت جنوبی بود.
- 6- «نینوا» پایتخت آشور بود.
- 7- شهر «بابل» مرکز قوم بابل بود که بابیلونیا نیز نامیده می‌شد.
- 8- «دمشق» شهر بزرگ، سوریه بود. (... وهست)
- انبیا در تقبیح بتپرستی غالباً از واژگان مربوط به بتپرستی نظیر «تمثال‌های چوبی»، «مکان‌های بلند»، درختان و یا «بلوط‌ها» و «باغ‌ها» استفاده می‌کردند.
- انبیاء غالباً «داوری» را به معنی عدالت به کار می‌بردند. آنها به تقبیح مذحرف کردن «داوری» پرداختند، بدین معنی که آنها داورانی را که رشوه می‌گرفتند و انصاف را رعایت نمی‌کردند، سرزنش می‌نمودند. اندیشه باقی ماندگان قوم یهود همیشه در ذهن انبیا بوده است. کتب این انبیا به پیشگوئی بازگشت باقی مانده ایماندار قوم در روزهای آخر می‌پردازند، همانطوری که باقی مانده قوم از اسارت در بابل بازگشتند.

## V- رده بندی انبیا

کتب نبوتی را می‌شود احتمالاً به چندین طریق طبقه‌بندی نمود. اخیراً مشاهده کردیم که انبیا به دو گروه یعنی انبیا اصلی و متوسط تقسیم شدند. همچنین می‌توان آنها را براساس زمانه‌ای که می‌زیسته‌اند، طبقه‌بندی نمود:



انبیا قبل از دوران تبعید:  
 اشعیا - ارمیا - هوشع - یوئیل - عاموس - عوبدیا - یونس  
 - میکا - ناحوم - حبقوق - صفیا  
 انبیا و دوران تبعید قوم:  
 حزقیال - دانیال  
 انبیا بعد از دوران تبعید قوم:  
 حُجّی - زکریا - ملاکی

انبیای قبل از دوران تبعید قوم، کسانی بودند که قبل از اینکه قوم به تبعید بروند، رسالت می‌کردند. انبیای دوران تبعید قوم، کسانی بودند که از سوی خدا در ایام اسارت در بابل سخن می‌گفتند. انبیای پس از دوران تبعید قوم، کسانی بودند که بعد از اسارت همراه با قوم بازگشتند و از قوم خواستند که شهر و معبد را بازسازی کنند و وضعیت اخلاقی خود را اصلاح کنند.

همچنین انبیا را می‌شود براساس قوم‌هایی که پیام آنها را می‌شنیدند، دسته‌بندی نمود:

<u>اسرائیل</u>	<u>امت‌ها</u>	<u>یهودا</u>
	<u>(غیریهودیان)</u>	
هوشع	ناحوم	اشعیا
عاموس	عوبدیا	ارمیا
یونس		یوئیل
		میکا
		حبقوق
		صفنیا
		حزقیال
		دانیال
		حُجّی
		زکریا - ملاکی

بعضی از این انبیا برای دو یا سه گروه رسالت می‌نمودند.

برای نمونه، یونس را می‌توان نبی غیریهودیان محسوب نمود. میکا، هم برای اسرائیل و هم برای یهودا نبوت می‌نمود. ناحوم برای یهودا (15:1) و نینوا نبوت می‌نمود. حبقوق گفتنی‌های فراوانی برای قوم‌ها دارد.

در نمونه‌های فراوانی پیام نبی را نهفته در معنی نامش می‌یابیم. برای نمونه، نام «اشعیا» یعنی «یهوه نجات است». در رساله اشعیا نبی 2:12 می‌خوانیم:

«زیرا یاه یهوه – نجات من گردیده است.»

«ارمیا» یعنی، «یهوه، یهوه را برافراشت – 31:52.

«حزقیال» یعنی، «قوت خدا» – 16:34.

«یوئیل» یعنی، «یهوه خداست» – 13:2.

«میکا» یعنی، «کیست شبیه یهوه؟» – 13:2.

«صفنیا» یعنی، «مستور در یهوه» – 3:2.

«ملاکی» یعنی، «رسول من» – 1:3.

## VI- ترتیب تاریخی انبیا

ترتیب تاریخی زیر ممکن است کمکی به خواننده باشد در فهم ارجاعات مختلف در کتب انبیا.

### پادشاهی اسرائیل (قبایل شمالی)

سوریه دشمن خارجی اصلی اسرائیل پس از تجزیه کشور اسرائیل بود. سپس سوریها به قدرت رسیدند و اسرائیل را تهدید کردند. مراحلی که موجب شدند آشور، اسرائیل را فتح نماید، به قرار زیر می‌باشند:

1- پرداخت مالیات توسط یهوه به شلمانصر پادشاه آشور

(842 ق.م).

2- پرداخت مالیات توسط منحیم به تغلت فلاسر، پادشاهی که

شروع به اسارت یهودیان نمود.

3- در قلمرو فققح، تغلت فلاسر شهرهای نفتالی را فتح کرد

و اهالی آنجا را به اسارت به آشور برد (دوم پادشاهان 26:15). او همچنین به سرزمین‌های شرق اردن هجوم آورد و در سال 740 قبل از میلاد، دو و نیم قبیله را به بین‌النهرین فرستاد (اول تواریخ 26:15).

فتح به خاطر چشم‌پوشی از این جریان گذشته شد و هوشع بر تخت سلطنت نشست.

4- هوشع به خدمت شلمانصر پرداخت و به او باج یا مالیات داد، اما با فرستادن هدایا به مصر و یافتن متحدی برای خود به خاطر شکسته شدن یوغ آشور، به او خیانت کرد (دوم پادشاهان 3:17 و 4).

5- شلمانصر سامره را محاصره کرد. شهر در اولین سال حکومت سارگون در سال 722 یا 721 قبل از میلاد تسخیر شد و بسیاری از مردم به بین‌النهرین و مدیا تبعید شدند (دوم پادشاهان 5:17 و 6 و 18).

### پادشاهی یهودا (قبایل جنوبی)

آشور پس از فتح حکومت شمالی شروع به تهدید یهودا نمود. خدا به یهودیان اطمینان داده بود که هر چند آشور به ضد آنها برمی‌خیزد، ولی موفق نخواهد شد، بلکه نابود خواهد گردید. این واقعه در زمان حکومت حزقیایا و زمانی که سنحاریب بر ضد اورشلیم برخاست» تحقق یافت. بابلیان به قدرت رسیدند و تبدیل به تهدید بزرگی برای یهودا شدند. اقدامات سیاسی که منجر به فتح یهودا توسط بابل شد به قرار زیر می‌باشند:

- 1- یهویا کین دست‌نشانده پادشاه مصر شد.
- 2- بابل، مصر و آشور را تسخیر کرد و بدین ترتیب یهودا را نیز تحت قدرت خود درآورد (605 ق.م).
- 3- در سال 605 پیش از میلاد (سال سوم یا چهارم سلطنت یهویا کین)، نبوکدنصر به اورشلیم آمد و بعضی از ظروف

معبد را به بابل برد، و تعدادی از اعضاء خاندان سلطنتی را به اسارت برد. این اسراء شامل پادشاه (یهویاکین) و دانیال نبی بودند (دوم پادشاهان 1:24-6 و دوم تواریخ 5:36-8 و ارمیا 1:45 و دانیال 1:1 و 2).

4- در سال 597 قبل از میلاد، نبوکدنصر یهوئاکین (یهونیا) را همراه با تعداد دیگری به اسارت برد (دوم پادشاهان 10:24-16). در این هجوم حزقیال نبی به بابل برده شد.

5- در سال 586 پیش از میلاد ارتش نبوکدنصر، معبد را به آتش کشید و اورشلیم را ویران کرد و جمعیت کثیری را به اسارت بردند و تنها تعداد کمی از فقیرترین افراد در شهر ماندند (دوم پادشاهان 2:25-21).

6- کسانی که در شهر باقی ماندند تحت حاکمیت جدلیا قرار گرفتند، ارمیا نیز در میان آنان بود. سپس جدلیا ترور شد و بسیاری از مردم و همچنین ارمیا به مصر گریختند (دوم پادشاهان 22:25-26).

### دوران هفتاد ساله اسارت و بعد از آن

امپراتوری جهانی بابل تا سال 539 قبل از میلاد برقرار ماند، و سپس کورش بابل را تسخیر کرد. کورش پادشاهی بود که فرمان بازگشت قوم اسرائیل را به سرزمینشان صادر کرد. گروهی تحت رهبری زرو بابل در سال 538 پیش از میلاد و گروه دیگری تحت رهبری عزرا در سال 458 پیش از میلاد به اسرائیل بازگشتند.

داریوش مادی از 538 تا 536 پیش از میلاد سلطنت نمود. امپراتوری ماد و پارس تا سال 333 پیش از میلاد ادامه یافت، و سپس یونانیان تحت رهبری اسکندر کبیر، رهبری جهان را به دست گرفتند.

هفتاد سال اسارت تا سقوط اورشلیم در سال 586 پیش از

---

میلاد تا بازسازی معبد در سال 516 پیش از میلاد، ادامه یافت.